

# اتهام خیانت در رابطه با پیام صدای انقلاب شما را شنیدم (۴)

امیرفیض- حقوقدان

در ادامه قسمت سوم (ضمیمه) تحریر، بحث داخلی >چرا آقای دکترنصر برای تنظیم نطق شاهنشاه انتخاب شد< این توضیح اضافی بجاست:

برای اولین بار نبود که آقای دکترنصر افتخار تنظیم نطق و سخنرانی شاه را دریافت می‌داشت؛ سخنرانی شاهنشاه دردانشگاه هاروارد آمریکا که اهمیت جهانی یافت هم بوسیله آقای دکترنصر تنظیم شد و این درحالی بود که دوتن دیگر هم ماموریت تنظیم متن سخنرانی شاه را داشتند و شاهنشاه متن تهیه شده دکتر نصر را انتخاب فرمودند.

## دلیل ارجاع تنظیم نطق شاه به دکتر نصر

به حکایت اسناد یکی از دلایلی که تنظیم نطق شاه به دکترنصر ارجاع شد بغیر از احترام خاصی که گروهی از آخوند ها از جمله شیخ مطهری برای نصر قائل بودند؛ دکتر نصر سخت مخالف اقدامات خشونت آمیز بود و همواره توصیه بر مدارا و تشکیل مجلس بحث با مخالفان را داشت؛ دکتر نصر در آزادی علی شریعتی از زندان بسیار نقش داشت و میگفت **شریعتی ها را باید در بحث مغلوب ساخت نه بازندان** >فیلسوف همین رامیگوید و نظامی طبل جنگ کوبیدن<.

اکنون بجاست تحقیق، قدری در این مسیر قرار گیرد که روحیه و فکر شاهنشاه نسبت به شورش و برخورد با آن چه بود.

## نظر شاهنشاه نسبت به ماهیت شورش

سرتاسر کتاب پاسخ به تاریخ و مصاحبه های بعدی شاه نشان میدهد که شاه با احتیاط زیاد و استفاده از روش اشاره برای بیان ماهیت شورش ۵۷ استفاده میکردند؛ مانند:

>مادر این هنگام با انتلافی از نیروهای مسلح مخالف روبرو نبودیم بلکه بایک بسیج عمومی همه قوای مخرب برای نابودی ایران مترقی و نو مواجه بودیم که برای نیل به این منظور میبایست دودمانی که مکرر مانع سقوط کشور شده بود از اریکه قدرت کنار گذاشته شود.<

در عبارت بالا که از صفحه ۲۶۳ کتاب پاسخ به تاریخ گرفته شده؛ صحبت **از مداخلات خارجی و هدف آنها** که کنار گذاشتن شاهنشاهی ایران است، که به اشاره یاد شده است ولی شاه در یک جای دیگر کتاب پاسخ به تاریخ صریحا آنها را با **عنوان فراموش نکنیم** خطاب به ایرانیان مطلبی میفرماید که در عین اینکه از آراستگی به شفافیت عام برخوردار نیست ولی برای اهل سیاست گشودن روزنه هائی را به همراه دارد.

**> فراموش نکنیم که بحران کنونی ناشی از مداخله عوامل خارجی است که پیشرفت و ترقی ایران مصالحتشان را به خطر انداخته بود.**

این اشاره شاهنشاه در کتابشان بعد ها مینا ومبدا و علت اساسی دخالت خارجیان در تدارک شورش ۵۷ قرار گرفت که خود بحث مفصل دیگری است.

برداشت کلی از بیانات شاه این است که شاهنشاه اصلا قائل به شورش مردم نبوده است؛ و اساسا دلیلی هم برای شورش وجود نداشته است؛ شورش در همه کشورها همراه با کمبود ها و فقر و بیکاری و امثال آنهاست که در ایران شاهنشاهی از آنها اثری نبود و به همین دلیل شاه بحران حاکم بر کشور را نتیجه مداخله خارجیان و عوامل آنها میدانسته اند.

نکته جالب و با اهمیت اینجاست که قبل از اینکه شاهنشاه اشاره ای در رابطه با نقش خارجیان در شورش ۵۷ داشته باشند؛ ایرانیان بواقع و درستی تشخیص داده بودند که آمریکا پشت سر شورش ۵۷ است در این باره به سند زیر توجه کنید:

درسند خیلی محرمانه شماره ۲۷ بتاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۷۹ آمده است:

تقریبا هرایرانی با فرهنگی به نقش بزرگ آمریکا در جریان انقلاب ایران اعتقاد دارند.

(صفحه ۱۳۷ جلد ۲۴ اسناد سفارت آمریکا)

### **اعتقاد شاهنشاه نست به کیفیت برخورد با شورش**

❁ من میخواستم بهر قیمت از توسل به زور و اعمال خشونت اجتناب کنم؛ و در یک محیط صلح و تفاهم ملی راه های قانونی برای حل مشکلات بیابم.

❁ یک پادشاه حق ندارد تاج و تخت خود را به قیمت ریختن خون هم میهنانش حفظ کند. یک دیکتاتور میتواند حکومت را بنام مرامی که مدافع آن است با خونریزی نگهدارد اما پادشاه دیکتاتور نیست میان شاه و ملت پیوندی ناگسستنی وجود دارد.

### **بهترین انتخاب**

با آشنائی از علاقه قلبی و افکار و امیال شاهنشاه و نیز طرز فکر آقای دکتر نصر میتوان این نتیجه را یافت که دکتر نصر بهترین شخصیتی بوده که میتواند افکار و انتظارات شاه را با موقعیت سیاسی و حقوقی متمرکز در قانون اساسی و سنت مشروطیت و وضع شورش آن زمان پیاده کند.

در اسناد تحقیق آمده است که شاهنشاه با دکتر نصر در باره چارچوب کلی نطق خودشان صحبت کرده اند (!) و تجانس و هماهنگی فکری شاهنشاه و دکتر نصر عامل اصلی تفویض ماموریت تنظیم نطق شاهنشاه بوده است و اینکه آقای رئیس تشریفات گفته است؛ اگر شاه از متن نطق مستحضر بوده چرا اظهار ناراحتی فرموده اند با این توضیح میتواند همراه باشد که **> موافقت در کل به معنای موافقت در جزئیات نیست ولی مخالفت با جزئیات همواره تحت الشعاع موافقت با کل قرار میگیرد.**

به همین دلیل بعد از آنکه آقایان دکتر نصر و قیطی عرض توضیح و دلایل حضور شاهنشاه داشته اند شاهنشاه در مخالفت با متن نطق تجدید نظر فرموده اند.

### **علاقه شورشیان به کشتار**

بجاست نگاهی داشته باشیم به خواستها و هدف شورشیان که میتواند به بحث بالا خاصه مفهوم و منطوق نطق شاه، قناعت با قبول، عرضه کند.

چپس از آنکه کمیسیون بین المللی حقوقدانان به اعدام های بدون محاکمه ایرانیان اعتراض کرد سران و حقوقدانان شورش نوشتند:

«باید دست فاسدان را قطع کرد **باید خون ریخته شود، هرچه در ایران خونریزی بیشتر شود انقلاب بیشتر پیش خواهد رفت**».

(صفحه ۲۸۷ پاسخ به تاریخ)

ملاحظه تاکید آمیز سران شورش به خونریزی بیشتر، نشان میدهد که شورشیان کاملا منتظر اعلامیه و یا اقداماتی بوده اند که بهرحال بقول خودشان انقلابشان پیشرفت کند و در کلامی دیگر پیام مسالمت آمیز شاه خواسته آنها را تامین نمیکرد. شعارهای شورشیان همه بوی خون و تکلیف به خونریزی داشت (فواره های رنگین که حالت خون را نشان میدهد در چهارراه های شهرها نوید و علاقه شورشیان رابه خونریزی نشان میداد).

◀ مدارک و شهود تحقیق نشان میدهد که شورشیان با استفاده از جنگجویان خارجی بخصوص فلسطینی ها و آمریکایی ها با استفاده از افراد کار آزموده خودشان آماده بوده اند که تا آنجا که میتوانند به دامنه کشتار بیفزایند (میدان ژاله؛ و کشته شدن دکتر پناهیان و غیره) و حتی به این کار هم شروع کرده بودند (سینما رکس آبادان)، (تیراندازی در یادگان لویزان).

**آیت الله اردبیلی گفت:** «برای پیشبرد انقلاب یک میلیون نفر حاضریم کشته بدهیم» بنابراین بروشنی دریافت میشود که مسیرخواست شاهنشاه و ماموریتی که به دکتر نصر برای تنظیم پیام داده شده کاملا برخلاف انتظار شورشیان بوده است.

اشارات بالا بدین منظور قرار گرفت که متوجه باشیم طرف شاه، که ظاهرا شورشیان بوده اند، و باطنا آمریکا و انگلیس و فرانسه و آلمان، کاملا آماده و خواستار اقدامات خشونت آمیز از سوی شاه و دولت شاهنشاهی ایران و یا بهانه ای بوده اند تا آن کشتارها و خونریزی ها را براحتی با تخصص و تبحری که داشتند به حساب شاه بگذارند؛ و موضوع را شامل جنایات ضد بشری بسازند و مسئله ایران را به شورای امنیت و اقدامات جمعی علیه شاه بکشانند؛ و اگر هم سفیر آمریکا تظاهر به مخالفت با اقدامات خشونت آمیز مینمود، حکم سیاسی است برای کشور آمریکا **ولی حقیقت علاقه شدید آمریکا به آشفتگی ایران و منازعه بین شاه و مردم و پایان یافتن رژیم سلطنتی ایران در اثر همان منازعه بین مردم و شاه بوده است.**

**حاشیه** = اینکه در اسناد، در مورد ترور سپهبد بدره ای، صحبت از قرار کودتا با استفاده از نیروی هوایی شده بود (تحریر قبل) شادروان بشیری در جلد دوم طوفان در ایران اشاره ای دارد که با قصد بدره ای، خسرو داد و امیر ربیعی فرمانده نیروی هوایی ارتباط مستقیم پیدا میکند.

«طرح براندازی ایران تا آنجا پیش رفته بود که علیرغم تمایل رهبران عربستان، آمریکا یک اسکادران هواپیمای جنگنده اف ۱۵ به ریاض پایتخت عربستان سعودی اعزام داشت تا در صورت عدم خروج شاه از کشور (اجرای برنامه کودتا با شرکت نیروی هوایی ایران) از آن هواپیماهای اف ۱۵ بعنوان یک قدرت تهدید استفاده کنند».

(صفحه ۵۰۷ جلد دوم)

## دستاوردها

در یک جمله، آمریکا و شورشیان کاملا آماده و منتظر فرمان اجرایی شاه برای مقابله با شورشیان بوده اند و کافی بود که پیام شاه در جهت شدت عمل صادر میگردید که یکسره همه مسئولیتهای ناشیه از کشتار و آتش زدن شهرها برعهده شاه قرارگیرد و جامعه بین المللی در کنار شورشیان و به حمایت آنها درآید؛ چیزی شبیه به جریان سوریه امروز با این تفاوت که بشار اسد بعنوان یک رئیس جمهور میتواند در مقابل مردم ایستادگی و دست به کشتار آنان بزند ولی شاه نمیتوانست؛ نه قانون اساسی اجازه میداد و نه خود شاه مایل به رو در رویی با ملت بود **و این دومی امری بود که در ذات پادشاهی نهفته است.** شعار شاه پدر ملت است به همین معناست که پدر تحمل کارهای نادرست فرزند را دارد و مقابل فرزند نمی ایستد.

## نظرات

متن نطق شاهنشاه که بوسیله آقایان دکتر نصر و رضا قطبی تنظیم شده است؛ با اظهار نظرهای متضادی روبرو بوده است و بالطبع این تحقیق هم اقتضای اظهار نظر دارد؛ ولی اجازه فرمائید به اظهار نظر شاهنشاه که بعد از پیروزی شورشیان در کتابشان آمده است رجوعی داشته باشیم؛ که اعلم و افهم بر نظرات دیگران است.

## نقش فریب در اظهار نظر شاهنشاه نسبت به شورش ۵۷

اظهار نظر شاهنشاه نسبت به شورش ۵۷ فصل مشبیهی است که نقد وسیعی را میپذیرد؛ و این تحریر از باب اعتنای فرصت در حاشیه آن، گفتگونی خواهد داشت.

مبنا و مقدمه اظهار نظر شاهنشاه متوقف بر امر فریب است که میفرمایند:

**اگر کار به اینجا رسید، نه فقط به خاطر آن بود که ملت ایران فریب خورد؛ که من هم فریب خوردم ..... شاهنشاه مبنا و زیر بنای فریب ملت و خودشان را غفلت در ارائه پیشرفت های اقتصادی دانسته اند.**

نویسنده این تحریر معتقد به فریب شاه و ملت در رابطه با شورش ۵۷ بوده است و در سال ۶۸ مقاله (فریب شاه و ملت) را در سنجر ۴۷+۳۳۲ منتشر ساخت؛ که در آینده، محموله ای از آن مقاله در تحریری به استحضار علاقمندان خواهد رسید.

ولی با تحقیقات وسیع و ملاحظاتی که بعد از سال ۶۸ در دسترس همگانی قرار گرفت، نمیتوان عامل موفقیت شورش ۵۷ را انحصارا فریب ملت و شاه دانست؛ البته فریب بهرحال هم مهم است و هم همواره موجود؛ ولی نمیتوان نقش آنرا بعنوان عامل اصلی شورش ۵۷ و سقوط شاهنشاهی ایران گرفت.

این تحریر اجازه میخورد موضوع فوق یعنی عامل موفقیت شورشیان را در تحریر دیگری با توافق مطرح سازد.

## نظرات گوناگون

در بین نظرات گوناگونی که نسبت به نطق شاهنشاه منتشر شده، تا بخواهید نظریه است، فکاهی ترین آنها نظریه علیرضا نوریزاده است که گفته است <شاهنشاه قدر قدرت نباید چنین نطقی ایراد میکرد>، (شاهنشاه قدر قدرت نبود لازمه کارسیاسی توجه به قانون اساسی مشروطیت است) - یکی هم گفته است شاه میبایست در نطق خود به آمریکا حمله میکرد (یعنی آن چیزی که دقیقا آمریکا منتظر آن بود) و یک شخصیتی هم نظریه دارد که شاه باید هویزر را بازداشت میکرد (این نظریه ارتباطی به نطق شاه ندارد) و امثال آنها وای اگر این اشخاص مامور تنظیم نطق شاهنشاه میشدند.

## ملاحظات عمومی در نطق شاه

نطق شاهنشاه با مهارت فلسفی و استفاده از عبارات ادبی جایگزینی که بتواند حقوق سلطنت را حفظ باشد تنظیم گردیده است و کسانی که نطق شاهنشاه را دلالت بر تسلیم شاه به شورش و شورشیان و ضعف قدرت سلطنت که نزد مردم ایران یک ناباوری عمیق عمومی است میدانند. برداشت آنها سطحی و احساساتی است و بیشتر به ملاحظه منطوق و عبارات نطق است؛ درحالیکه مفهوم نطق خلاف منطوق آن است. نویسنده نطق از شیوه طعنه و توریه برای تنظیم نطق استفاده کرده است.

## طعنه چیست

طعنه ویا توریه (توریه در حقوق اسلامی مرسوم است) <شکلی از بیان زبان است که در آن گوینده، عباراتی را تائید و بر زبان میآورد که مورد اعتقاد گوینده نیست، یعنی گوینده به معنای ظاهری جمله ای که ادا کرده باور ندارد و در واقع معنای مورد نظر گوینده ویا نویسنده از معنای جمله متفاوت است> (نظریه برنت)

ابن نصیر شاعر و فیلسوف در باب طعنه حاشیه ای دارد که با بیت زیر همراه شده است:

یکی را بود طعنه در لفظ او      یکی را سخن در معنای بود

یعنی یک سخن ممکن است مفهوم و منطوق آن یکی باشد و یک سخن هم ممکن است بر پایه طعنه بیان شود و مفهوم و منطوق آن یکی نباشد.

## بزرگترین مشکل در تنظیم نطق شاه

خیلی ساده و آسان و اساسا عادت ماست که در ارزیابی کارهای دیگران، غفلت کنیم و حتی اگر در تخصص ما هم نباشد آنرا معیب و نادرست و بل خیانت بدانیم، عقیده دارم یکی و شاید هم مشکل ترین ماموریت ها تنظیم نطق شاهنشاه در آن زمان همین تنظیم نطق شاهنشاه بوده است.

بزرگترین مشکل در تنظیم نطق مزبور ظرفیت طرف نطق شاهنشاه بوده است، که بصورت ظاهر مخلوطی در هم از مردم و شورشیان بوده اند، و باید نطق شاهنشاه بر سبیل ظرفیت شورشیان تنظیم میشد.

حکایت بر سبیل مستمع گوی      اگر خواهی که دارد با تومیلی

ولی دکتر نصر نمیتوانست در قاعده سعدی عمل کند و نطقی تهیه کند که مفهوم و منطوق آن با توجه به ظرفیت شورشیان باشد زیرا آنچه که شورشیان میخواستند نه با قانون اساسی تطبیق میکرد و نه مصلحت شاه و کشور بود؛ لامحاله آقای دکتر نصر از فلسفه توریه و طعنه استفاده کرد یعنی با استفاده از واژه ها و عباراتی هم چارچوب قانون اساسی و منویات قانونی شاهنشاه را حفظ کرد و هم جوابی به مقتضای فهم ودل شورشیان داد.

### رابطه نطق شاه با شورش

کسانی مانند نهاوندی و فخرآور و دیگر کسانی که مدعی اند نطق شاهنشاه سبب سقوط شاهنشاه ایران شد، مفهومش این است که اگر شاهنشاه اصلا نطقی نمیکردند و یا آن نطق را دکتر نصر نمینوشت، مثلا آقای رئیس تشریفات و یا آقای شجاع الدین شفا و یا همان نهاوندی تنظیم میکرد شورشیان موفق نمیشدند؛ چنین ادعایی آنهم بعد از ۴۰ سال که اسناد شورش خاصه دخالت خارجی و تصمیم قطعی آنان به براندازی رژیم سلطنتی ایران بازگو و افشا شده است، چنین اظهار نظرهایی اگر از سرخامی نباشد بطور حتم بعلت زیاده خواهی و غرورشخصی و بیماری منم است.

گه گه خیال در سرم آید که این منم ملک عجم گرفته ام بتیغ سخنوری

از آقای پارسونز مصاحبه ای است که با کیهان لندن انجام شد؛ آقای پارسونز میگوید: <اگر شاه مانند احمد شاه به کار کشور کاری نداشت سلطنت، حتی در مورد فرزندش هم تضمین میشد.>

یعنی کوششهای شاه برای اتحاد سیاست نفتی مستقل و کوتاه ساختن دست کنسرسیوم ها و افزایش بهای نفت سبب سقوط شاه و سلسله شاهنشاهی ایران گردید.

بسیار مضحک است قدرتی که سبب پیروزی شورشیان و سقوط سلطنت ایران شده به الصراحه علت را بیان میکنند ولی ما ایرانیها هم میگوئیم نامه رشیدی مطلق و یا تنظیم نطق شاه سبب پیروزی شورشیان شد.

### دستاوردهای تحقیقی

این تحقیق مدعی و معتقد است که برخورد منافع و مطامع کشورهای بزرگ با منافع ملی ایران که در دومی شاهنشاه تصدی آن را داشتند، سبب گردید که کشورهای بزرگ برای حفظ مطامع خودشان که بیشتر در انرژی متمرکز بود علیه شخص شاهنشاه که تصدی حقوق ایران را عهده دار شده بود و شاه سبب گردید که برای اولین بار در تاریخ نفت کشورهای تولید کنند قیمت نفت را تعیین کنند و سابقه تعیین قیمت نفت توسط خریدار را که قرنها جاری بود بشکنند؛ کشورهای صنعتی را متوجه موضعی ساخت که آن موضع براندازی رژیم سلطنتی ایران بود؛ و دایره این تصمیم حتی تا دوام سلطنت ایران را هم مشمول شد؛ بطوریکه با تحریم های سیاسی که بصورت تصمیم قانونی وزارت خارجه آمریکا به اجرا در آمد ولیعهد ایران را هم از کوشش برای ایفای نقش سنتی و قانونی ممنوع ساخت

( علامندان به موضوع میتوانند به رساله پیروزی تاریخی از انتشارات سنگردرسایت ۱۴۰۰ سال جاوید ایران رجوع کنند)

<http://1400years.org/Books/PirouziTarikhi.pdf>